

مسعود برپر
گروه سرزمین

گفت و گو باد کتر شروین و کیلی درباره هویت ایرانی در شاهنامه

شاهنامه کلید یگانگی ملی در ایران است



نزد پرستی منتهی نمی شود؟ همین چند وقت پیش بود که حادثه تلخی در جریان مراسم خج و داد برخی از صاحب نظران و اکثرب یچ شاعر ایرانیان به عربستان را نژاد پرستانه خوانند و این نژاد پرستی را دارای ریشه های کهن دانستند. نگاه فردوسی در شاهنامه به عنوان یک اثر ملی که شاید بیشترین سهم را در شکل گیری یا حفظ هویت ملی داشته، چه اندازه نژاد پرستانه است؟

آیا این برتر شمردن ایرانیان به نژاد پرستی منتهی نمی شود؟ همین چند وقت پیش بود که حادثه تلخی در جریان مراسم خج و داد برخی از صاحب نظران و اکثرب یچ شاعر ایرانیان به عربستان را نژاد پرستانه خوانند و این نژاد پرستی را دارای ریشه های کهن دانستند. نگاه فردوسی در شاهنامه به عنوان یک اثر ملی که شاید بیشترین سهم را در شکل گیری یا حفظ هویت ملی داشته، چه اندازه نژاد پرستانه است؟

آیا این برتر شمردن ایرانیان به نژاد پرستی منتهی نمی شود؟ همین چند وقت پیش بود که حادثه تلخی در جریان مراسم خج و داد برخی از صاحب نظران و اکثرب یچ شاعر ایرانیان به عربستان را نژاد پرستانه خوانند و این نژاد پرستی را دارای ریشه های کهن دانستند. نگاه فردوسی در شاهنامه به عنوان یک اثر ملی که شاید بیشترین سهم را در شکل گیری یا حفظ هویت ملی داشته، چه اندازه نژاد پرستانه است؟

آیا این برتر شمردن ایرانیان به نژاد پرستی منتهی نمی شود؟ همین چند وقت پیش بود که حادثه تلخی در جریان مراسم خج و داد برخی از صاحب نظران و اکثرب یچ شاعر ایرانیان به عربستان را نژاد پرستانه خوانند و این نژاد پرستی را دارای ریشه های کهن دانستند. نگاه فردوسی در شاهنامه به عنوان یک اثر ملی که شاید بیشترین سهم را در شکل گیری یا حفظ هویت ملی داشته، چه اندازه نژاد پرستانه است؟

حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی، سخن سرای نامدار ایران و سراینده شاهنامه است. او را بزرگ ترین سراینده پارسی گو دانسته اند و شاهنامه او را نجات دهنده و حافظ زبان پارسی و تمدن ایرانی خوانده اند. ابوالقاسم سترگ، سرشار از اسطوره های گوناگون و شخصیت های پیچیده، که با برداشتن جوانان گوناگون فرهنگ و تمدن ایرانی، نقش میثاق ملی ایرانیان را بازی کرده و شبهای گوناگون در نقاط گوناگونی از این سرزمین در جمع خانواده ها و مردم همخوانی شده است. اما شاهنامه به مثابه میثاق ملی ایرانیان، چه اندازه از آن همه ایرانیان امروز است؟ جایگاه اقوام ایرانی در شاهنامه کجاست و این میثاق تاریخی ملی برای یک فرد ایرانی، از هر قومیتی که باشد، چه دربار دارد؟ این پرسش ها و بویشترا به مناسبت ۲۵ اردیبهشت ماه، روز بزرگداشت این فرزانه خرمند و خردورزان، دکتر شروین و کیلی، جامعه شناس، اسطوره شناس و پژوهشگر تاریخ و فرهنگ و تمدن ایرانی پرسیدیم.

ایرانی از دید فردوسی چگونه تعریف می شود؟ یعنی ویژگی یا صفت فرد ایرانی در شاهنامه فردوسی چیست و چه ویژگی هایی برای او ستوده شده است؟

کمیته یحیی یزدانی، که این روزها فیلسوف خوانده می شود، نوشته شده است. یعنی فردوسی روایت های تاریخی هویت سازی که در ایران زمین از دیرباز وجود داشته اند را گردآوری کرده، آنها را بازسازی کرده و طوری به هم پیوند داده به که به داستانی منسجم و یکپارچه بزرگ تبدیل شود. اگر بخواهیم کرد و موضع فردوسی را تحلیل کنیم، باید به دو نکته توجه داشته باشیم: نخست این که فردوسی تمام روایت های در دسترس خود را در کتب کهن و روایت های (نمونه اش داستان مشهور آرش کمانگیر) و دوم این که بیشتر روایت های یاد شده خاستگاه او سنت های متفاوتی داشته اند و در ابتدای کار به هم ربطی نداشته اند. (مثلاً داستان های رستم و بهرام چوبینه به دو فضای متفاوت تعلق دارند). اگر بخواهیم ببینیم فردوسی چه تصویری از ایرانیان در ذهن داشته و آن را چطور عرضه کرده، باید به این نکته برگردیم که او از میان روایت های در دسترس اش (که خیلی هایش امروز برای ما باقی نمانده) چه چیزهایی را به چه دلیلی انتخاب کرده و بعد چطور و با چه الگویی آنها را به هم جفت و بست کرده است. اگر چنین تحلیلی انجام شود، به نظر من شاهنامه فردوسی یک اثر ملی است. یعنی ایرانیان را با همه تفاوت های خود به هم پیوند داده است. یعنی ایرانیان را با همه تفاوت های خود به هم پیوند داده است.

آیا این برتر شمردن ایرانیان به نژاد پرستی منتهی نمی شود؟ همین چند وقت پیش بود که حادثه تلخی در جریان مراسم خج و داد برخی از صاحب نظران و اکثرب یچ شاعر ایرانیان به عربستان را نژاد پرستانه خوانند و این نژاد پرستی را دارای ریشه های کهن دانستند. نگاه فردوسی در شاهنامه به عنوان یک اثر ملی که شاید بیشترین سهم را در شکل گیری یا حفظ هویت ملی داشته، چه اندازه نژاد پرستانه است؟



روایت های گیل و مازنی و پشتون وارد و کردی و... فراوانی در دست داریم که در آنها داستان های خود شاهنامه شاخ و برگ یافته و به شکل هایی دیگر در زبان های محلی بازگوشه است. ترکان در زمانی که دولت عظیم سلجوقی را پدید آوردند و اعراب زمانی که دولت عباسی را بر ساختند، خود را همچون قومی در دل ایران زمین می نگریستند

شاهنامه در واقع آمیزه ای از دو خوشه های همسایه اغلب به مهمان نوازی و مهربانی ستوده شده اند. از زبان بودایی چینی عصر اشکانی بگیرد تا سفرنامه نویسان اروپایی دوران جدید. این تلقی که رگ های از نژاد پرستی در ایرانیان وجود دارد یا از غرضی گویا، نه نواستعماری بر می خیزد، نادانی گوینده در باره معنی این کلمه را نشان می دهد! اما در متونی مثل شاهنامه تمایز روشنی بین ایرانیان و دیگری ها دیده می شود و همیشه ایرانی ها ستوده شده اند. اگر موضوع را در ادامه پرسش پیشین در نظر بگیریم، نسبت ایرانی و ایرانی چیست؟ آیا رفتار نیک و بد با مرز ایران و ایرانیان تطابق دارد؟

شاهنامه در واقع آمیزه ای از دو خوشه های همسایه اغلب به مهمان نوازی و مهربانی ستوده شده اند. از زبان بودایی چینی عصر اشکانی بگیرد تا سفرنامه نویسان اروپایی دوران جدید. این تلقی که رگ های از نژاد پرستی در ایرانیان وجود دارد یا از غرضی گویا، نه نواستعماری بر می خیزد، نادانی گوینده در باره معنی این کلمه را نشان می دهد! اما در متونی مثل شاهنامه تمایز روشنی بین ایرانیان و دیگری ها دیده می شود و همیشه ایرانی ها ستوده شده اند. اگر موضوع را در ادامه پرسش پیشین در نظر بگیریم، نسبت ایرانی و ایرانی چیست؟ آیا رفتار نیک و بد با مرز ایران و ایرانیان تطابق دارد؟

قانون

سرزمین من و تو

سال دوم | شماره ۵۱۶ | صفحه چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۴
۲۴ رجب ۱۴۴۴ | می ۲۰۱۵

sarzamin@ghanoondaily.ir

اخبار

چو ایران نباشد تن من مباد

ازاده روغنی
کارشناس ارشد ادبیات فارسی

بدون شک «شاهنامه»، بزرگ ترین حافظ سنت های ملی قومی ایرانی است. شاید با نبود این اثر بزرگ، به مرور زمان قسمتی عظیمی از فرهنگ و تاریخ ماد چار تزلزل می شد. اهمیت شاهنامه تنها در جنبه ادبی و شاعرانه آن خلاصه نمی شود و پیش از آن که مجموعه ای از داستان های منظوم باشد، تبار نامه ای است که بیت بیت و حرف به حرف آن، ریشه در اعماق آرزوها و خواسته های جمعی ملتی کهن دارد. ملتی که در همه ادوار تاریخی، نیکو و روشنائی را ستوده و بایدی و ظلمت در ستیز بوده است.

شاهنامه حدود ۶ هزار بیت دارد و دارای سه دوره «اساطیری»، «پهلوانی» و «تاریخی» است. شاهنامه روایت نبرد خوبی و بدی است و پهلوانان، جنگجویان این نبرد دائمی در هستی اند.

دیدگاه فردوسی و اندیشه حاکم بر شاهنامه همیشه پشتیبان خوبی ها و برابر ست و تباهی است. برخی از پهلوانان شاهنامه نمونه های متعالی انسانی هستند که عمر خوبی را به تمامی در خدمت همنوعان خویش گذرانده است. پهلوانانی همچون فردین، سیاوش، کیخسرو، رستم، گودرز و طوس از این دسته اند.

شخصیت های دیگری نیز همچون ضحاک و تور و جودشان آکنده از شرارت و خبوحی و فساد است. آنها مأموران اهریمن اند و قصد نابودی و فساد در امور جهان را دارند. تصویر سازی در شعر فردوسی جایگاهی بسیار مهم دارد. شاعر با تجسم حوادث و ماجراهای داستان در پیش چشم خواننده او همراه با خود به متن حوادث می برد، گویی خواننده داستان را بر برده سینما به تماشا نشسته است.

تصویر سازی و تحلیل در اثر فردوسی چنان محکم و متناسب است که حتی اغلب توصیفات طبیعی درباره طلوع، غروب، شب، روز... در شعر او حالت و تصویری حماسی دارد و ظرافت و دقت حکیم طوس در چنین نکاتی موجب هماهنگی زیر ترین امور در شاهنامه با کلیت داستان شاهنامه است.

چو خورشید از جرخ گردنده سر
برآورد بر سان زین سپر
شاهنامه شرح حال پیروزی ها، شکست ها، ناکامی ها و دلوری های ایرانیان از کهن ترین دوران (نخستین پادشاه جهان کیومرث) تا سرتا گونی دولت ساسانی به دست تازیان است (در سده هفتم میلادی).

کشمکش های خارجی ایرانیان با هندیان در شرق، توریان در شرق و شمال شرقی، رومیان در غرب و شمال غربی و تازیان در جنوب غربی است. علاوه بر سیر خطی تاریخی ماجرا، در شاهنامه داستان های مستقل برآکنده ای نیز وجود دارند که مستقیماً به سیر تاریخی مربوط نمی شوند. از آن جمله: داستان زال و رودابه، رستم و سهراب، بیژن و منیژه، بیژن و گرازان و جز اینها بعضی از این داستان ها به طور خاص چون رستم و اسفندیار یا رستم و سهراب از شاهکار های مسلم ادبیات جهان به شمار می آیند.

وایبر قانون

۰۹۲۱۳۳۵۸۳۸۰

ستون وایبر «قانون» با هدف ارتباط مستمر روزنامه با مخاطبان راه اندازی شده است. از این فرصت و فضا برای انعکاس دیدگاه های خود بهره بگیرید.

۰۴۰۷۷ *** ۰۹۳۶

سلام و خسته نباشید. وایبر قانون دیگه واسه من نمیاره. قطع شده ارسال به وایبر مخاطب!

قانون: خیر. در ارسال انبوه پیام وایبری برای مخاطبان در صدی خطا همچون پیام ها هست که ممکن است پیامی به برخی از مخاطبان نرسد اما این به معنی آن که قانون پیام وایبری نمی فرستد نیست. حتما پیام های وایبری قانون را برایتان ارسال می کنیم.

۰۳۴۳۸ *** ۰۹۱۲

در قسمت معرفی طنز پردازان کشور خودمان هم که تعدادشان کم نیست بپردازید.

۰۱۸۱۳ *** ۰۹۱۷

وزیر آموزش و پرورش در گفت و گوی تلویزیونی اعلام کردند مطالبات فرهنگیان حق التدریس و اضافه کاری تا هفدهم پرداخت می شود و روزنامه ها هم تیرت زنده. هفدهم شد و هیچ چیز پرداخت نشد آیا روزنامه های این بدقولی را تیرت می کنند؟



ارتشهایی که از بیش از ۵۰ سال پیش حفر شده بودند و اکنون برآز آب شده به مجموعه آسیب جدی می زنند و خاک برداری های قدیمی متعددی هم انجام شده است. گهستونی با تکیه بر این که خود تپه چغامیش هم آسیب دیده بود می گوید: «به جرات می توانم بگویم که سه ضلع تپه را تسطیح کرده بودند. دور تسادور تپه هم خندقی برآز آب بود که به زمین های کشاورزی آبرسانی می کرد. بعد هم به تپه چغامیش رفتیم که فردی به نام پورنوروز که کار شناس باستان شناسی است از طرف اداره میراث افتخ و به طور شفاهی پیش از این که مجوز صادر شود گفته بود کار کنید.» به گفته گهستونی موضوع بافشین حیدری، مدیر کل میراث فرهنگی استان خوزستان، هم مطرح شده و او گفته که باغبان، رئیس اداره میراث دزفول، بر خور دشدیدی خواهد کرد. گهستونی تأکید می کند که هم مردم هم شخص بهره بردار گفته اند که باغبان هم از منطقه یازدیه کرده بوده است. کشاورزی که در تپه چغامیش فعالیت کرده گفته که ۴۵ روز لو در تپه تسطیح می کرده است. یعنی عملیات تسطیح در چهار و نیم هکتار از مساحت ۶ هکتاری چغامیش ۴۳ روز طول کشیده و تسطیح تپه قبیلی نیز ۱۲ روز

فعالیت ۴۵ روزه لودرها در محوطه تاریخی چغامیش

چغامیش با خاک یکسان شد

شدن باعث شود که این محوطه تاریخی در تیسرس خرفان غیر مجاز قرار بگیرد. به اصرار بنده و با درخواست سازمان همراه با کارشناسی به چغامیش رفتیم و در همان یسدورود متوجه نعرضات شدیم. در تپه قبیلی و چغامیش دیدیم که بولدوروز و بیل مکانیکی کار می کند. تسطیح به طور کامل انجام شده بود و دیگر چیزی از تپه برای تسطیح باقی نمانده بود و خاکبرداری می کردند. خاکی که برآز سفال های سبده و منقوش از دوره های پیش از تاریخ، ابلام و هخامنشی و اشکانی و ساسانی و اسلامی و حتی ابزار دوره پارینه سنگی بود.»

مجموعه تپه های تاریخی چغامیش که بازگشت ۱۰۸ شسی از ایشیای کمشوفه آن به کشور در هفته های اخیر در صدر خبر های میزانی کشور و با تبلیغ فراوان رتیس رسانه ای سازمان فرهنگی همراه بود، تعرض جدی قرار گرفت. فعالان میراث فرهنگی می گویند لودرها ۴۳ روز در تپه چغامیش و ۱۲ روز در تپه قبیلی عملیات تسطیح انجام دادند و خود تپه چغامیش هم از سه ضلع تسطیح شده است اما رئیس اداره میراث دزفول می گوید محال است اخیراً در چغامیش اتفاقی افتاده باشد و قبیلی نیز هیچ گونه ارزش تاریخی و میراثی ندارد.

چغامیش که باستان شناسان از آن به عنوان «شهری در سینه دم تاریخ» یاد کرده اند، یکی از شهر های بسیار ناشناخته خوزستان است که به لحاظ تاریخی هم خیلی مظلوم واقع شده اما بازگرداندن ۱۰۸ شسی تاریخی آن از شیگاگو به ایران باعث شد که این مجموعه تاریخی دوباره مطرح شود و جان بگیرد.

مجتبی گهستونی، دبیر انجمن دوستداران میراث فرهنگی خوزستان، تازیان را در گفت و گوی «قانون» می گوید: «گران بودیم که این مطرح